



تحصیل باما

سوالات احتمالی منطق کنکور انسانی



WWW.TAHSILBAMA.COM

منطق

گزینه ۳

۱

در برخی از انواع تعریف مفهوم را از نظر اجزا و سازنده‌اش در نظر می‌گیریم و آن را به دو جز عام و خاص تحلیل می‌کنیم؛ عبارت کاملاً درستی است که بر اساس قواعد تعریف ارائه شده است، "جامعیت و مانع بودن تعریف را دربرمی‌گیرد".
برای مثال؛ در تعریف مثلث "شکل" بیانگر مفهوم عام و "سه‌ضلعی" بیانگر مفهوم خاص تعریف درست آن است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تعریف نوعی تفکر است که اگر انسان توانایی آن را نداشت هیچ تصویری را نمی‌شناخت. درست است که تعریف نوعی تفکر است، ولی اگر انسان توانایی تعریف نداشت، همچنان می‌توانست از طریق مشاهده کردن، ایما و اشاره، استدلال کردن؛ صورهای مختلفی را شناسایی کند.
گزینه ۲: وقتی اوصافی را به یک مفهوم نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم، در حقیقت آن را تعریف کرده‌ایم. این گزینه به تصدیق اشاره دارد، نه تعریف.

برای مثال وقتی مطرح می‌کنیم، اسب حیوان نجیبی است، نجیب بودن را به اسب نسبت داده‌ایم؛ پس هیچ‌گونه تعریفی ارائه نکرده‌ایم.
گزینه ۴: برای تعریف یک تصور چند تصور معلوم را به یک تصور مجهول نسبت می‌دهیم و آن را در قالب یک تصویر بیان می‌کنیم.
کاملاً مشخص است که در تعریف از تصورات مجهول استفاده نمی‌شود؛ بلکه اتفاقاً هدف تعریف معلوم کردن تصور مجهول است، پس این گزینه هم نمی‌تواند پاسخ درست باشد.

گزینه ۲

۲

- رابطه میان A و D تناقض می‌باشد. ← بنابراین جمع میان آن‌ها ناممکن است.
- رابطه میان B و C نیز تناقض می‌باشد. ← تشخیص صدق و کذب آن‌ها ممکن است.
- رابطه میان A و B حالت تضاد است. ← جمع دو قضیه متضاد غیرممکن است.

گزینه ۳

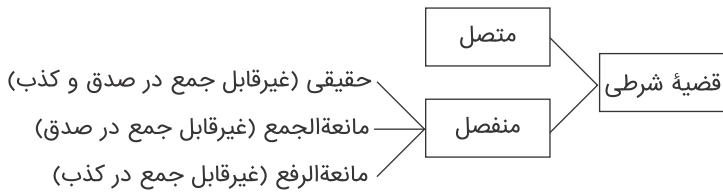
۳

مولود کعبه مفهوم کلی است. حسن (ع) چون مفاهیم متعدد دارد مفهوم کلی است (امام حسن مجتبی (ع) یا امام حسن عسگری (ع) یا امام زادگان متعدد با این نام مطرح شده‌اند). حواریون چون یک گروه خاص را (یاران مشخص حضرت عیسی (ع) معرفی می‌کند). تصور جزئی به حساب می‌آید.
شیعه اسماعیلی هفت امامی است و شیعه اثنی‌عشری دوازده امامی است، ولی نباید چنین برداشت شود که شیعه اسماعیلی زیرمجموعه شیعه اثنی‌عشری است. این برداشت صحیح است که هیچ شیعه اسماعیلی؛ شیعه اثنی‌عشری نیست و هیچ شیعه اثنی‌عشری شیعه اسماعیلی نیست، پس نسبت تباین برقرار است.

گزینه ۲

۴

در این تست مطرح شده است طبق عبارتهای ارائه‌شده کدام عبارت، نمونه یک تعریف درست را نشان می‌دهد، که در گزینه دوم مفهوم استدلال به درستی تعریف شده است که بر این اساس استفاده از تصدیق‌های معلوم برای کشف تصدیق‌های مجهول تعریف کامل واژه استدلال می‌باشد.
رد سایر گزینه‌ها: در هیچ‌یک از گزینه‌ها تعریف جامع و مانعی مطرح نشده و یا به ارائه استدلال پرداخته شده است.



تعریف برای کشف تصورات مجهول به کار می‌رود نه تصدیقات مجهول در بین گزینه‌ها تمام گزینه‌ها غیر از گزینه ۳ تصدیق هستند.

توجه کنید که عبارت گزینه ۳ گزاره ندارد، پس یک تصور به حساب می‌آید.

ضمن اینکه مکاتب مهم فلسفی مسلمانان، مثل: مکتب حکمت اشراق؛ حکمت متعالیه، هرکدام تصور به حساب می‌آیند، که برای روشن شدن این تصورات تعریف لازم است.

هرگاه تعریف جامع و مانع باشد نسبت مصادیق تعریف ذکرشده با مصادیق مفهومی که تعریفش نموده‌ایم مساوی است، مانند مثال گزینه‌های ۲ و ۴: هر شیعه‌ای مسلمان معتقد به امامت است و هر مسلمان معتقد به امامتی شیعه است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه‌های ۱ و ۳: چیزی نیست جز، یک نوع مغالطه است، مغالطه در تعریف، به این نوع مغالطه، مغالطه کنه و وجه یا مغالطه هیچ نیست جز، می‌گویند.

گزینه ۴: قسمت دوم گزینه نادرست است، معرّف و معرّف مفهوماً متباین هستند و مصادفاً مساوی هستند.

امام اول شیعیان، امروز

خیلی‌ها منطق نمی‌دانند، اما به‌طور طبیعی قواعد تفکر را رعایت می‌کنند، چون این قواعد برای ذهن طبیعی هستند.

ذهن انسان به‌صورت طبیعی بر اساس قواعدی می‌اندیشد منطق‌دانان این قواعد را کشف کرده‌اند و به‌صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده‌اند گرچه ذهن انسان به‌طور طبیعی منطقی رفتار می‌کند و بدون دانستن نام‌های این قواعد آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌برد.

استدلال تمثیلی، نوعی استقرا به حساب می‌آید.

در مورد نتیجه یک استدلال این امر مورد تأکید است که نتیجه هر استدلالی همواره باعث به وجود آمدن دانش جدید می‌شود.

دقت کنید: استفاده از منابع گوناگون در مقدمات استدلال مطرح می‌شود، استدلالی که از جزئی به جزء دیگر می‌رسیم، نه استنتاج آن.

اگر قضیه "بعضی م ج نیست" نقیض یکی از مقدماتین باشد، یعنی "هر م ج است" خود آن مقدمه خواهد بود؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم که "بعضی پ ج نیست" نمی‌تواند نتیجه باشد؛ چون علامت "ج" در آن مثبت است و حال آنکه نتیجه آن در مقدمه مذکور منفی است؛ پس طبق قانون استنتاج این نتیجه‌ای شرط سوم اعتبار قیاس اقترانی را ندارد و رد می‌شود.

رابطهٔ آرد با بربری مطابق تصویر تباین است، درست است که بربری از آرد درست می‌شود، اما پس از پخت نان دیگر آرد به ماده متفاوتی تبدیل شده؛ رابطهٔ توت و توت‌فرنگی عموم و خصوص مطلق است. رابطهٔ مسیحی و کاتولیک نیز عموم و خصوص مطلق است. رابطهٔ شاعر و آمریکایی عموم و خصوص من وجه است.

بررسی گزینه ها:

گزینهٔ ۱: برخی از حیوانات (-) استخوان (+) ندارند.

گزینهٔ ۲: تیم والیبال ایران (+) بازی را (-) برد.

گزینهٔ ۳: آدمی (+) به طور طبیعی به آینده می اندیشید. (-)

گزینهٔ ۴: محمود (+) از فرستاده مغول استقبال خوبی (+) کرد.

همهٔ - برخی

وقتی یک مفهوم کلی باشد، همواره فرض وجود مصادیق متعدد برایش ممکن است، اما برخی مفاهیم کلی نمی‌توانند بیش از یک مصداق در خارج داشته باشند.

گزینهٔ ۲ صحیح است.

در قیاس استثنایی عین نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از مقدمات آمده است و نتیجه عین یا نقیض مقدم یا تالی مقدمهٔ اول است. این قیاس از نوع رفع تالی است که نقیض مقدم را نتیجه گرفته است. در این قیاس، نقیض نتیجهٔ مقدم مقدمهٔ اول است و عین نتیجه در مقدمات وجود ندارد. تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ ۱: مقدم قضیهٔ اول: اگر آفریدگار عالم نه یکی بودی، نقیض نتیجه است.

گزینهٔ ۳: قیاس رفع تالی است؛ یعنی تالی قضیهٔ اول منفی و نقض شده و نقیض مقدم قضیهٔ اول نتیجه‌گیری شده است.

گزینهٔ ۴: مقدمهٔ اول قیاس استثنایی متصل یک قضیهٔ شرطی متصل است.

در این گزینه ویژگی بدی به یک نظر یا پیروان آن نسبت داده نشده است، بلکه گوینده به دنبال تأثیرگذاری و تحمیل نظر خود به وسیلهٔ برانگیختن احساس ترس است (مغالطهٔ توسل به احساسات)

تنها قضیه‌ای که کمیت عکس مستوی آن با خود قضیه متفاوت است موجباً کلیه می‌باشد. نقیض موجباً کلیه، سالبه جزئیه است؛ بنابراین باید در گزینه‌ها به دنبال موردی بگردیم که در مورد سالبه جزئیه درست باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: تضاد فقط بین دو قضیه کلیه است فلذا سالبه جزئیه نمی‌تواند متضاد داشته باشد.

گزینه ۲: خود قضیه سالبه جزئیه است و متداخل آن سالبه کلیه خواهد بود.

گزینه ۳: از صدق سالبه جزئیه نمی‌توان سالبه کلیه را نتیجه گرفت.

گزینه ۴: کمیت این قضیه جزئیه است و کمیت عکس مستوی موجباً کلیه نیز جزئیه می‌باشد و در نتیجه از گزینه صحیح خواهد بود.

قضیه‌ای که عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد، سالبه جزئیه است. سالبه جزئیه نقیض یک موجباً کلیه است و متضاد موجباً کلیه، سالبه کلیه خواهد بود؛ بنابراین قضیه خواسته شده در صورت سؤال سالبه کلیه است.



تحصیل باما